

آثار تربیتی اعتقاد به رزاقیت از منظر آیات و روایات

چکیده:

انسان در زندگی خود برای گذران زندگی، دست به تلاش و کوشش برای مرتفع کردن نیازهای مادی خود می زند؛ اما تامین نیازهای زندگی تنها وابسته به تلاش انسان نیست بلکه تلاش های او، وسیله است برای رسیدن به رزقی که خداوند برایش معین کرده است؛ چرا که خداوند روزی تمام موجودات را تضمین کرده است و واقع به وسیله تلاش های خود به روزی که خداوند برایش مقدر کرده است دست می یابد. اگر انسان به این یقین و اعتقاد برسد که خداوند رازق همه موجودات است، این باور موجب نهادینه شدن اصول تربیتی در شخصیت انسان می شود که تاثیر بسزایی در زندگی او دارد. پژوهش حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی گردآوری شده است به بررسی این موضوع یعنی آثار تربیتی اعتقاد به رزاقیت خداوند از منظر آیات و روایات پرداخته است. آثاری از جمله حسن ظن نسبت به خداوند، که می داند روزی اش را تامین می کند و نیز غنای درونی و بی نیازی از دیگران، که تنها خود را تنها نیازمند خداوند می داند و همچنین دوری از حرص و طمع و بخل ورزی؛ البته خود نیز باید تلاش و کوشش کند و این تلاش او برای رسیدن به روزی در زندگی، موجب بالا رفتن تحمل مشقت او در برابر سختی ها می شود و چون ایمان دارد که خداوند روزی اش را میدهد و از پیش مقدر کرده است شخصیت او شخصیتی امیدوار و متوکل می شود، و این خود موجب می شود که در حفظ دین خود کوشا باشد زیرا کسی که به خداوند و رازق بودنش ایمان دارد و اقدام به طلب روزی می کند، خود را از فقر رها می کند که فقر بسیاری از ذایل اخلاقی را به دنبال دارد و با بهبود بخشیدن به وضعیت اقتصادی اش می تواند به امور دینی خود بهتر بپردازد.

کلیدواژه ها: روزی، رزق، رزاقیت، اعتقاد

مقدمه:

انسان در این سیاره زمینی که زندگی می‌کند، گرچه در مقابل مجموعه جهان طبیعت دارای کمیتی بسیار ناچیز است ولی موجودی است فکور و در موجوداتی که اطرافش هستند، می‌اندیشد و می‌یابد که اصل وجود برای بقای آنها کافی نیست، بلکه در بقای خود، ناگزیر به استمداد از امور دیگری می‌باشند، مانند خوردنیها و آشامیدنی‌ها و پوشیدنیها و مسکونیها و تناسلهها و توالدها و نظایر این‌ها که مایه بقا و استمرار وجود است و این مایه بقا همان رزق است که به رحمت واسعه حق تعالی در گستره هستی گسترده است و ارزاق طبق مرزوقین، مختلف و گوناگون است. در آیات و روایات فراوانی به این امر اشاره شده است که خداوند رزاق، روزی تمام موجودات را تضمین کرده است؛ البته این به این نیست که انسان دست از تلاش بردارد به این دلیل که خداوند نیازش را برآورده می‌کند و سستی و تنبلی را پیشه کند چرا که این خود در اسلام مذموم است؛ بلکه انسان باید رزق مقدر شده اش را به واسطه کار و تلاش خود بدست بیاورد. اعتقاد به این صفت رزاقیت خداوند، در انسان تحولاتی ایجاد می‌کند که قسمتی از شخصیت وی را تشکیل میدهد که در رفتار شخص نمود عینی پیدا می‌کند و این نتیجه تربیت انسان است. در واقع اعتقاد به رزاقیت خداوند آثار تربیتی در انسان ایجاد می‌کند که منجر به راحتی و آرامش انسان و حتی در آخرت می‌شود. آثاری مانند سخت کوشی، بخل نورزیدن، حسن ظن داشتن و... بنابراین بحث از اعتقاد به رزاقیت خداوند از ارزش بالایی برخوردار است و آن را می‌توان ناظر بر اهمیتی دانست که اسلام برای کار و تلاش قائل شده است. اما در این زمینه خلاء مطالعاتی زیادی وجود دارد؛ لذا ضرورت تحقیقی که بتواند موضوع حاضر را در تمامی ابعاد آن از منظر دین اسلام بیان کند، احساس می‌شود. هر چند که چندین کتاب و مقاله در زمینه اعتقاد به رزاقیت خداوند نوشته شده است، اما کتاب یا تحقیقی که این موضوع را در ابعاد آثار تربیتی آن بررسی کرده باشد یافت نشد. بنابراین تحقیق حاضر قصد دارد به بررسی آثار تربیتی اعتقاد به رزاقیت خداوند از منظر آیات و روایات بپردازد.

۱- مفهوم شناسی:

۱-۱ رزق:

رزق: عطائی است که از آن منتفع میشوند خواه طعام باشد یا علم و یا غیر آن.^۱

راغب می گوید: الرِّزْقُ يُقَالُ لِلْعُطَاءِ الْجَارِي تَارَةً دُنْيَوِيًّا كَمَا أَمْ خَرَوِيًّا، وَ لِلنَّصِيبِ تَارَةً^۲. «رزق، گاهی به معنای بخشش مستمری و همواره است؛ خواه بخشش مادی و دنیایی باشد [از قبیل مال و جاه و مقام]، خواه معنوی و اخروی باشد؛ [از قبیل علم و ایمان و تقوا]، و گاهی نیز به معنای بهره، سهم، قسمت و روزی است»

طبرسی نیز رزق را عطای دائمی گفته و گوید آن نقیض حرمان است.^۳

صاح آنرا عطا و آنچه از آن نفع برده میشود معنی کرده و گوید و گاهی بباران رزق اطلاق میشود^۴ و نیز به معنی «عطای همیشگی و مستمر خاصی است که موافق مقتضای حال طرف و مطابق نیاز او برای ادامه حیاتش باشد»^۵.

در فرهنگ فارسی معادل کلمه رزق، لغت روزی است؛ چرا که رزق موجودات روز به روز استمرار پیدا می کند، به آن روزی گفته می شود؛^۶ خلاصه آنکه رزق عطائی است که از آن منتفع میشوند خواه طعام باشد یا علم و یا غیر آن^۷ و رازق به آفریننده رزق و بخشنده و مسبب آن اطلاق می شود.^۸

^۱ - قرشی، قاموس قرآن، ج ۳، ص ۸۲

^۲ - راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۲، ص ۶۷

^۳ - طبرسی، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۶۱

^۴ - جوهری، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، ج ۴، ص ۱۴۸۱

^۵ - التحقيق فی کلمات قرآن، ج ۴، صص ۱۱۵-۱۱۶

^۶ - فرهنگ بزرگ جامع نوین، ج (۱-۲)، ص ۴۹۷

^۷ - قرشی، قاموس قرآن؛ ج ۳، ص ۸۲

^۸ - راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۲، ص ۶۸

۲-۱ تربیت در لغت و اصطلاح:

تربیت در لغت از ماده «ربا» به معنی زاد و نمو و افزایش یافت گرفته شده است.^۱ همچنین نفس زدن را «ربو» می گویند به این دلیل که موقع نفس کشیدن سینه بر آمده می شود و «ربا» را به این نام نهاده اند به جهت اینکه بر مال، افزوده می شود.^۲

در قاموس قرآن نیز این گونه آمده است: ربّ: تربیت کردن ربّ الصبی ربّا: ربّاه حتی ادرك» یعنی بچه را تربیت کرد تا به رشد رسید. (اقرب) و اطلاق آن بر فاعل یعنی مرّبی بطور استعاره است.^۳

همچنین تربیت در مفهوم کاربردی و اصطلاحی خود، با عبارات مختلفی بیان شده است از آن جمله به تعریف زیر می توان اشاره کرد: «تربیت یعنی فراهم کردن زمینه ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن استعداد های شخصی انسان در جهت رشد و تکامل اختیاری به سوی هدف های مطلوب و بر اساس برنامه های منسجم»^۴

همانطور که از تعریف لغوی و اصطلاحی تربیت استفاده میشود تربیت اعم از آموزش (تعلیم) است چرا که برای هر نوع تربیتی به تعلیم نیازمندیم اما برای هر آموزشی نیاز به تربیت نیست.

بنابراین تعلیم نقش مقدمه را برای تربیت بازی میکند و جهت تربیت لازم است مسائلی به مربی آموزش داده شود؛ علامه مصباح در این زمینه می گوید: «کمالات انسان از راه علم و آگاهی او حاصل می شود ناچار وقتی بخواهند در ابعاد دیگر هم او را به کمال برسانند باید چیزی به او یاد دهد»^۵.

^۱ - ابن منظور، لسان العرب، ص ۳۰۴

^۲ - بهشتی، اسلام و تربیت کودکان، ص ۹۲

^۳ - قرشی، قاموس قرآن، ج ۳، ص ۴۲

^۴ - مصباح یزدی، جزوه تعلیم و تربیت، شماره ۴۲۹

^۵ - همان

۲- رازق بودن خداوند:

در طول زندگی انسان وظیفه دارد برای امرار معاش و به دست آوردن روزی حلال کار کند و زحمت بکشد معری رزق (روزی) پیشتر بیان شد اما بطور کلی از موارد استعمال آن، اینگونه به دست می آید که «در معنای این کلمه، نوعی بخشش و عطا هم خوابیده، مثلاً می گویند پادشاه به لشکریان رزق می دهد. که این جمله تنها شامل مواد غذایی لشکر می شود ... این معنای اصلی و لغوی کلمه بود، ولی بعدها در معنای آن توسعه دادند و هر غذایی را که به آدمی می رسد، چه دهنده اش معلوم باشد و چه نباشد رزق خواندند ... و بعدها توسعه دیگری در معنای آن داده و آن را شامل هر سودی که به انسان برسد دانسته اند هر چند که غذا نباشد، و به این اعتبار همه مزایای زندگی اعم از مال و جاه و عشیره و یاوران و جمال، علم و غیره را رزق خواندند.»^۱

اسلام به دست آوردن روزی را از ضروریات زندگی دانسته چنانکه پیامبر اکرم (ص) فرموده است:

«طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ: طلب حلال بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.»

اما نکته ای که در این امر حائز اهمیت است این است که انسان با آن همه سعی و تلاشی که دارد، بیش از آنچه روزی اش است نصیبش نخواهد شد و آنچه خدای متعال برای انسان معین فرموده است هر کجا که باشد به او خواهد رسید.^۲

چنانکه در قرآن کریم آمده است:

«وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ. وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ.»^۳ و در آن (زمین) برای شما و آنها که شما روزی دهنده آنها نیستید (پرندگان و حیوانات وحشی)، اسباب زندگی و روزی

^۱ - طباطبایی، ترجمه المیزان، ج ۳، ص ۲۱۴، اسلامی

^۲ - مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۸۷

^۳ - مهدوی کنی، نقطه های آغاز در اخلاق عملی، ص ۶۶۶

^۴ - حجر، ۲۰-۲۱

۴-۷ غنای درون:

کسی که حسن ظنّ به پروردگار و قدرت او نسبت به انجام وعده هایی که درباره تأمین رزق و روزی بندگان تلاشگر داده، داشته باشد هرگز برای جمع آوری اموال حرص نمی زند و آن کس که به رحمت و لطف او امیدوار است بخل نمی ورزد.^۱

حرص در دنیا انسان را گرفتار رنج و تعب دایمی می کند، چنان که علی علیه السلام فرمود: «الْحِرْصُ مَطِيئَةٌ التَّعَبِ! حرص مرکب رنج و زحمت است!»^۲

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم که به امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «اعْلَمْ يَا عَلِيُّ! إِنَّ الْجُبْنَ وَ الْبُخْلَ وَ الْحِرْصَ غَرِيضَةً وَاحِدَةً يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ! بدان ای علی! که ترس و بخل و حرص، یک غریزه هستند و همه در سوء ظن (به خدا) خلاصه می شوند!»^۳

همین معنی به صورت دیگری در فرمان مالک اشتر در نهج البلاغه آمده است آنجا که امام علیه السلام که امام مالک اشتر را از مشورت با بخیلان و افراد ترسو و حریصان برحذر می دارد، سپس می افزاید: «انَّ الْبُخْلَ وَ الْجُبْنَ وَ الْحِرْصَ غَرَائِزٌ شَتَّى يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ! بخل و ترس و حرص، غرایز مختلفی هستند که یک ریشه دارند و آن سوء ظنّ به خداست!»^۴

کسی که به رحمت و لطف او امیدوار است بخل نمی ورزد؛ و در زمین رزق و روزی آن کس که به رزاقیت خداوند معتقد است و می داند روزی را که خداوند برایش مقدر کرده، به همان مقدار نصیبش می شود، نه کمتر و نه بیشتر؛ بنابراین غنای درون پیدا می کند و دچار حرص و طمع نمی شود.^۵

^۱ - مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۹۴

^۲ - تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۸۲۰

^۳ - محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۸۸، شماره ۳۱۳۹

^۴ - نهج البلاغه، نامه ۵۳

^۵ - مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۹۶

در تعبیر دیگری از آن امام علی(ع) آمده است «الْحَرِصُ غَنَاءُ الْمُؤَبَّدِ؛ حرص مایه رنج و زحمت ابدی است».^۱

انسان حریص هرگز سیر نمی شود، به همین دلیل دائماً برای جمع و اندوختن ثروت تلاش می کند و حتی خودش از آن بهره نمی گیرد، امیرمؤمنان علی علیه السلام در سخن پر معنای دیگری می فرماید: «الْحَرِصُ فَقِيرٌ وَ لَوْ مَلَكَ الدُّنْيَا بِحَدِّهَا فَبِهَا!»^۲ آدم حریص فقیر است هر چند تمام دنیا را مالک شود!

تنها کسانی از غنای درون بهره مند می شوند که اسیر حرص نباشند، همان طور که امیرمؤمنان علی علیه السلام در سخن دیگری می فرماید: «اغْنَى الْغِنَى مَنْ لَمْ يَكُنْ لِلْحَرِصِ اسِيرًا!» از همه بی نیازی ها بالاتر بی نیازی کسی است که اسیر چنگال حرص نباشد!^۳

حرص برای جمع آوری اموال دنیا سرانجام انسان را به هلاکت می افکند، نه فقط هلاکت معنوی که در بسیاری از اوقات هلاکت مادی نیز به همراه دارد، در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله می خوانیم: «انَّ الدَّيْنَارَ وَ الدَّرْهَمَ اهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ وَ هُمَا مَهْلِكََاكُمْ!» دینار و درهم (سکه های طلا و نقره) پیشینیان شما را هلاک کردند شما را نیز هلاک می کنند!^۴

آدم حریص روز به روز خود را گرفتارتر می کند تا آنجا که راه نجات را به روی خود می بندد، چنانکه در مثال بسیار جالبی در کلمات امام باقر علیه السلام آمده است: «مَثَلُ الْحَرِصِ عَلَى الدُّنْيَا مَثَلُ دُودَةِ الْقَرْزِ، كُلَّمَا ازْدَادَتْ مِنْ الْقَرْزِ عَلَى نَفْسِهَا لَفًا كَانَ ابْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ ! حَتَّى تَمُوتَ غَمًّا!» آدم حریص نسبت به دنیا مانند کرم ابریشم است که هر چه بیشتر بر اطراف خود می تند (و پيله را ضخیم تر می کند) سخت تر می تواند از آن خارج شود و سرانجام در درون پيله خود می میرد!^۵

بنابراین، حرص پیامدهای بسیار خطرناک و زیانباری دارد، انسان را از خدا دور می کند، شخصیت او را در نظرها در هم می شکند، آرامش را از او می گیرد، او به خاطر حرص، به گناهان بزرگ دیگری آلوده می شود، روز به روز از

^۱ - محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۸۶، شماره ۳۵۹۲

^۲ - همان، ص ۵۸۷، شماره ۳۶۱۵

^۳ - کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۶، ح ۷۶، باب «حبّ الدنيا و الحرص علیها»

^۴ - همان، ص ۳۱۶، ح ۶، باب «حبّ الدنيا و الحرص علیها»

^۵ - تمیمی آمدی، غررالحکم، ح ۱۵۵۰

سعادت دورتر می‌گردد و مانند بنده‌ای اسیر و ذلیل و گرفتار می‌شود و در یک کلمه دین و دنیای او تباه می‌گردد.^۱

نتیجه گیری:

در سراسر گیتی، خداوند متعال نعمت‌ای برای انسان آفریده است تا با استفاده از آنها معیشت خود را تامین کرده و گذران زندگی کند؛ و برای هرکسی رزقی معین کرده است. باور انسان به این امر سبب تغییراتی در تربیت او می‌شود که موجب ارتقای کیفیت زندگی او شده و او را از گناهان بسیاری باز داشته و سبب حفظ دین می‌شود. همچنین به واسطه اینکه می‌داند جز خداوند رازقی ندارد، از دیگران بی‌نیاز شده و عزت نفسش افزایش پیدا می‌کند و به واسطه حسن ظنی که به خداوند دارد، غنای درون پیدا کرده و هرگز در زندگی دچار حرص و طمع و بخل نمی‌شود.

منابع:

*قرآن کریم

*عج البلاغه

۱. ابن منظور، محمدبن مکرّم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق
۲. بهشتی، احمد، اسلام و تربیت کودکان، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲

^۱ - مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۹۷

۳. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، اخلاق اقتصادی، تهران، اداره آموزشهای عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، چاپ اول، ۱۳۷۶
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، تهران، محمدعلی الانصاری القمی، ۱۳۳۷
۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه ق
۶. حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۳۷۴
۷. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی لجماعه، ط الثانی، بی تا
۸. خلجی، محمد تقی، اسرار خاموشان (شرح صحیفه سجادیه)، بی جا، بی تا
۹. شبر، عبد الله، اخلاق، قم، هجرت، چاپ چهارم، ۱۳۷۸
۱۰. شیخ طوسی، امالی، قم، مؤسسه البعثه، دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق
۱۱. طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجم رضا ستوده، تهران، فرهانی، چاپ اول، ۱۳۶۰
۱۳. فضلی، علی، علم سلوک، بی جا، بی تا
۱۴. فیض کاشانی، محجۀ البیضا، تهران، صدوق، ۱۳۴۲
۱۵. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، نقران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ ششم، ۱۴۱۲ ه ق
۱۶. کلینی، محمدبن یعقوب، فروع کافی، بیروت، دار صعب و دار التعارف، ۱۴۰۱ ق
۱۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ترجمه بحار الانوار؛ ترجمه موسوی همدانی، تهران، کتابخانه مسجد ولی عصر، چاپ اول، ۱۳۶۳
۱۸. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، حوزه علمیه، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲
۱۹. محمدی گیلانی، محمد، شرح مناجات شعبانیه، تهران، سایه، چاپ اول، ۱۳۷۳
۲۰. مصباح یزدی، محمد تقی، جزوه تعلیم و تربیت، شماره ۴۲۹، جلسه اول
۲۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه انتشارات ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ: اول، ۱۳۷۷

۲۳. مهدوی کنی، محمد رضا، نقطه های آغاز در اخلاق عملی ، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، چاپ
هفتم، ۱۳۸۴